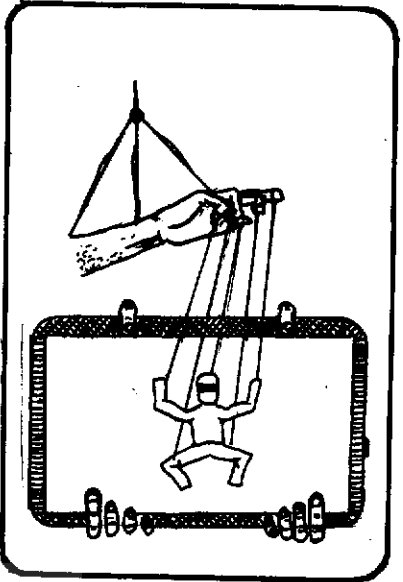


تلویزیون استعماری و تجاوز به حریم زندگی کودکان



آیادستهای دیگری از خارج روی تلویزیون کشور کار می کند؟!!

در روزهای تعطیل مخصوصاً تابستان فصل بیکاری ، هوس « دربارفتن » و « آزاد » بودن ، همراه باوسوسه « بوی فرند » و « گرل فرند » باعث میشود که دختران و پسران جوان به خانه و شهر و ولایت پشت کنند و ندانسته و بیادانسته به راهی بروند که پایانی جز اغفال ، فحشاء ، سرگردانی ، دزدی ، قاچاق قروشی و بدنامی ندارد .

در طول سال گذشته ماموران آگاهی نزدیک به ۲۵۵۰ دختر و پسر فراری را پیدا کرده اند و تحویل خانواده هاشان داده اند کمتر از نصف آنها دختر بوده اند و تابستان ، نقطه اوج فراری های خانگی و میانگین سنی آنها ۱۲ تا ۱۸ سال . ماموران آگاهی هشدار می دهند که ۹۰ درصد موارد اغفال و فریب دختران جوان ظاهراً با فرار دختر و پسر جوان از خانه شروع می شود و بعد به اغفال کشیده می شود .

در طول سال گذشته ، هرامه دویست نفر از خانه و کاشانه خود فرار کرده اند و این فرار در ۷۰ درصد موارد برای دخترها منجر به فریب و اغفال و بدنامی شده که گاه ، آنها را برای همیشه از بازگشت به خانه محروم کرده است !

تادوسه سال پیش رقم فراریان ، یعنی دختران و پسران جوان که به دلایل مختلف از خانه و شهر خود می گریختند هرامه به ۱۰۰ نفر میرسید و اکنون این تعداد ازدو برابر هم بیشتر شده است .

یکی از انگیزه‌های تازه فرار دختر و پسرهای جوان به اعتقاد مسئولان اداره آگاهی تهران شوق دربارفتن و تن به آب زدن و تظاهر به تجدد گمراهی است .

دختر جوان که در خانه خود گرفتار انواع قیدهاست و دریا و دختران «بیکنی پوش» را فقط از طریق تلویزیون دیده‌است همین که با اولین پسر یا مرد روبرو شد برای شکستن قید و بندها پیشنهاد او را برای فرار از خانه و رفتن به دریا و تماشای جنگل قبول میکند ، و این نقطه آغاز انواع بدبختی‌هاست !

همان شب انتشار این گزارش در روزنامه در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر در کانال ۲ تلویزیون ملی ایران ، که از نظر بخش برنامه‌های مضر بحال اجتماع و مردم ایران ، اگر **تلویزیون خارجی و استعماری هم بنامیم** ، باز کم گفته‌ایم ، فیلمی نمایش می‌دادند که از نظر زریان بحال کودکان ، « مسلمان نشنود ، کافر نبیند » .

من اگر بخواهم در اینجاموضوع فیلم و مناظر آن را که به اصراریکی از خوانندگان تنها شاهد قسمت‌هایی از او خرامان بودم ، برای شما تشریح کنم ، در این جنایت و **دلالتی محبت با مسئولان تلویزیون استعماری** همکاری کرده‌ام ! همین قدر می‌گویم طی چند دقیقه کودکانی کمتر از ده سال ضمن تعلیم و تفهیم عدم اطاعت از معلم و مدیر و مدرسه و کتک کاری با آنها ، طرز بمب انداختن بر روی اتومبیل مدیر مدرسه و آتش زدن آن راهم به همسالانش یاد داده ، مهمتر از همه برای نخستین بار در برابر چشمان باز و کنجکاو میلیونها تماشاچی دختر و پسر ایرانی ، و پدران و مادرانشان شاهد عقد و ازدواج ! دختر و پسر هشت نه ساله هم شدیم .

از پرتو توسعه شبکه تلویزیون استعماری و به دلالت و راهنمایی برنامه ریزان این روزها روابط سکسی مردم در اقصی نقاط کشور ، در ردیف **ترافیک و دیگر تراکما** و تراحمات امری عادی و پیش پا افتاده است ، غیرت و عفت و اخلاق را که دیگر خدا بیامرزد .

ایراد و اعتراض من باین « دستگاه لعنتی » و کارگردانان سوءنیت دار آن همان ایراد و اعتراضی است که ماموران آگاهی و مربیان اجتماع نسبت به آن تا مرز اعلام خطر به خانواده‌ها هشدار داده‌اند و آن تجاوز به دنیای معصوم و مرز مقدس زندگی کودکان هشت نه ساله است که با جنایت و خیانت نسبت به خانواده و کشور فرقی ندارد و **جنایتکار را باید پزدارزد ، نه اینکه بر سر کار نگاه داشت** .

ستون پنجم و دست استعمار ، شاخ و دم ندارد و لازم نیست همیشه بمب به خانه‌های مردم با خیابان‌ها بگذارد ، همینکه کودکان آنها را در این سن و سال آنهم در فصل تابستان و در ساعات اول شب ، بایک چنین فیلم‌هایی از طرز زندگی خیالی دیگران و داخل کردن چاشنی سکس و خشونت به آن ، به خود مشغول داشت و از راه بدربرد چنانکه آمار نشان میدهد ماهانه دو بیست نفر را از دامان خانواده فراری می‌دهد کالی است . این از هر بمبی زیانش بحال کشور بیشتر است ، برای اینکه مغزهای جوان و متفکر ما را از میان

می برد و آلوده میسازد، آنهم از سالها و سنین زیزده سال . دستگاه اگر می خواهد مردم را راضی و معنویت را به اجتماع بازگرداند باید نخست بلندگوی خود را که سرتاپا به لجن ، آلودگی است و در راه ترویج بانواع فساد ، به انواع کارها دست می زند اصلاح کند، نه اینکه خود و سایر مردم را دونوع تماشاچی متعلق به دونوع جهان مختلف فرض کند و به جهان سایرین هر چه به خودشان دادند ، کار نداشته باشد .

چرا يك صدم آن سخت گیری و سانسوری که در مورد کتابهای مفید و نوشته های سودمند بخرج میدهد و در مورد فیلم های مضر آن هم نوع تلویزیونی آن که هر چه باشد عنوان برچسب دولتی دارد نمیکنند ؟ .

چرا يك هیئت دلسوز و داوطلب از مریبان اجتماع و سرپرستان خانواده ها برای کنترل برنامه هایی که بخورد خانواده های مردم می دهند تعیین نمی کنید، تا هر عامل استعمار و مأمور فروش کالائی نتواند برنامه های تبلیغاتی خود را با تجربه بر روی زنان و کودکان مردم پیاده کند .

وقتی معلم سرخانه ای به صورت تلویزیون ، با این قبیل برنامه های مخرب و مضر وجود دارد و کودکان خردسال را مستقیماً به عصیان علیه معلم و مدرسه و مدیرتا مرز کتک زدن به آنها و بمب انداختن بر روی اتومبیل هایشان و ادار میسازد ، دیگر پرورش کودکان و جوانان چه معنی دارد ؟ وقتی دستگاهی چون تلویزیون با این قبیل برنامه ها ، يك يك و ده و ده و صد صد ، کودکان معصوم مردم را از راه بدر برده از آغوش گرم خانواده به منجلاب سقوط سوق می دهد ، برنامه حمایت از خانواده های بی سرپرست چه فایده ای دارد ؟

نه خانواده و نه خاندان مردم را از بین ببرید و نه از بازماندگان آنها نگاهداری کنید .

کشی مسادر و بجهاش پروری علوم انسانی و به دیوانگی ماند این داوری

* * * *

بهانه بزرگترها و دلخوشی آنها به این است که این برنامه ها رانندیده خیال می کنند ، چون در ساعات خاص و ویژه کودکان پخش میشود ، بزرگترها نیازی ندارند آنرا ببینند ، در صورتی که کار بالعکس است ، هر چه کودکان می بینند و می شنوند و می چشند بزرگترها هم باید ببینند و بشنوند و بچشند تا بدانند خوراك مادی و معنوی نسل آینده چیست و دست - بخت چه کسی ، این کودکان هستند که نباید يك چنین برنامه هایی را که خاص بزرگترهاست و يك بار دیگر هم آنها در ساعات آخر شب ، برای عبرت خانواده نشان داده اند ، ببینند آن مسئول برنامه هایی که برنامه ویژه کودکان را از برنامه و غذای خاص بزرگترها تشخیص نمی دهد و یا تشخیص داده و به عمد اینکار را کرده ، چرا مسئول يك چنین کار بزرگی می کنید و اختیار مغز و قلب و روح خانواده های مردم را بدستش می دهید ؟

ای کاش این فیلم را يك بار دیگر مخصوص زن و بچه مدیر عامل تلویزیون

ملی و سایر وزرای مسئول و متصدیان مربوط، در حضور خود آنها و کودکانشان نمایش می دادند تا می فهمیدند در پناه قدرت و غفلت آنها، با پول این مملکت چه غذاهای کشیف مسمومی به خورد مردم می دهند.

ما از همه مردم زن و بچه دار و علاقمند به بقای خانواده، توقع و انتظار داریم، در راه نجات نسل جوان کشور، که بیشترشان از راه بدر برده همین تلویزیون و مجریان جوان و نادان آن هستند، در این جهاد ملی با ما همکاری کرده، از هر راهی که می توانند از تکرار این قبیل فیلم ها و به طور کلی هر نوع فیلم و نمایشی که به صورتی زشت و زننده و هرزه و دریده سکس و خشونت گرانی را آن هم در میان کودکان زبیده سال را تبلیغ و ترویج می کند جلوگیری کنند.

تلویزیون هم مانند هر وسیله ارتباط جمعی دیگر، در همه جای دنیا وسیله ای برای آموزش و ارشاد و آگاهی است، نه برای لغزش و اغفال و آلت شدن برای نمایش فیلم های خاص یا منظوره های ویژه استعماری.

در سالهای اخیر، بسکه از تلویزیون و برنامه های مغرب و مضر و مبتذل آن انتقاد کرده ایم و هیچ گونه تغییری در آن ندیده ایم، از فیلم لوس و مصنوعی و مضر به حال کودکانی چون سفرهای دور و دراز «هامی و کامی»، تافیلیم سراسر سکس و خشونت و اختلاف برانداز دارا و ندار و ده ها خاک توسی های دیگر، برای منم مانند خیلی ها، این تصور به وجود آمده که، دست و پا دستگاه های دیگری بر روی این دستگاه سایه انداخته که دست ایران و ایرانی نیست و به همین مناسبت این بار برای آخرین بار هم شده ناچاریم دست دعا به جانب خدا برداشته از صمیم قلب به سبک دعای آن درمانده دوران تزارها بگوئیم: خدایا! خودت بفریاد ما برس!

فاته خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین.

● تلخیص از سرمقاله: مجله خواندنیها شماره ۴۴ - ۱۳۵۷

بقیه: سیری در مطبوعات

شراب را بعنوان خون مسیح می نوشاند، اکنون به مفاسد خانمانسوز این سسم خطرناک پی برده و گروهی از کشیشهای روشنفکر و پدران روحانی بفکر تاسیس مراکز مبارزه با شرابخواری و میگساری افتاده اند که نمونه ای از آنرا در بالا مشاهده می کنید.

